

پیام حسین (ع)

: ندای آشنا | ندای آزادی |



بگویم میرسد از کربلا گنگ آزادی
ندائی آشنا

بعد از گذشت قرنها آید بگوش جان
که: ای نوع بشر، انسان :

منم بکتا شهید جاودان بر تارک تاریخ انسانها ،
حسینم من ، حسینم من

نبی را نور عینم من

در این صحرا ز خون خود

ز خون جمله باران و خیزانم

نمودم آبیاری نونهال دین جدی را پرده

اگر نبود شمارا دین

نباشد بهر تان آئین

بدنیا پیرو آزادی باشید

جدال از راه دورم بر دگی باشید

صدای آشنای او

ز آن وادی رسد مردم بگوش جان

که: ای انسان ،

نباشد در غور شان تو فرمانبردار از ظالم

نباشد لایق توسعه پیش مردم خودخواه خم کردن



همی باید در این ره قدم علم کردن
... و اکنون ای مسلمان،

تا یکی تنه‌های درسوگ اواز دهد گانت اشگ میباری
دمی در خویش بتگر
حالی درسوگ خود
درسوگ این بیگانسان از مکتب او زیستن‌ها ،
اشکریزان شو

و در این عید خون شیعه با اندیشه‌ی والی او ،
هم عهد و پیمان شو
بگوش جان‌شنو از کربلا ،
نریاد ، «هل من ناصر» اورا
و گو، لبیک ! ...

درود ما بروح پاک جان‌بازان جاویدان
سلام ما به کوی رهبر آزاد مردان
بر حسین (ع) و جمله اصحاب بارانش
که تا سرحد جان بودند غم‌خوار و مددکارش
نبرد حق و باطل ،

جنگ هایلی و قاپلی
حسینی و وزیدی
هر زمان تکرار میگردد
که باشد «کربلا» هرجا
و هر روز است «عاشورا» .

پرتو نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



با تندروی و خشونت بی‌دلیل ، به آتش
توطئه‌های دشمن دامن می‌زنند ، باید همه
آنها را آگاه و بیدار ساخت و از خطراتی که
در پیش است باخیر نمود تا مراقب گفتار و
رفتار خویش باشند و از هر چیزی که خلی
در ایمان مردم نسبت به جمهوری اسلامی
و یا تزلزلی در وحدت و صمیمیت و اتحاد
آنها ایجاد می‌کند بپرهیزند .

پایه از صلعه ۵
خود را نشان داده باز هم با بیداری و
هوشیاری ثابت خواهد کرد که تسلیم
توطئه‌های دشمن نخواهد شد ، به ایمانش
و فداکار ، به اتحادش سخت پایند ، و نسبت
به بیعتی که با امام و رهبر انقلاب خود
کرده است تا‌های جان خواهد ایستاد !
اما باید آنها که در صفوف انقلابند اما
ناآگاهانه آلت دست دشمن می‌شوند و گاهی